

سال‌نمای امنیت ملی
جمهوری اسلامی ایران
تحولات راهبردی ۱۳۹۲
چشم‌انداز ۱۳۹۳

زیر نظر شورای نویسندگان



مقدمه

مجموعه حاضر، چهارمین «سال‌نمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» است که همچون شماره‌های سه‌گانه گذشته، به برآورد تحولات راهبردی در محیط امنیت ملی جمهوری اسلامی در سال ۱۳۹۲ و همچنین، چشم‌انداز آن در سال ۱۳۹۳ می‌پردازد. تخمین یا برآورد راهبردی^۱ در این سال‌نما، به منزله تحلیل کنش یک‌جانبه یا متقابل دو یا چند بازیگر امنیتی به هنگام صلح یا در شرایط جنگ است که قاعدتاً رقبا یا دشمنان و یا حتی دوستان بالفعل یا بالقوه یکدیگر به شمار می‌روند. در برداشتی وسیع‌تر، برآورد استراتژیک اشاره‌ای است به پیش‌بینی^۲ رقابت دو ملت یا دو متحد که شامل شناسایی نقاط ضعف یا آسیب‌پذیری‌های دشمن در مقایسه با نقاط قوت و برتری‌ها یا مزیت‌های^۳ طرف دیگر می‌شود. برآورد در این چارچوب شامل دو دستور کار پژوهشی و تحلیلی می‌شود که در عین حال، در امتداد هم معنا می‌یابند و رابطه مقدم و تالی دارند. دستور کار نخست، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و اخبار در خصوص مهمترین رویدادها و تحولات کنونی در عرصه معادلات راهبردی و امنیتی است که نماگر وضعیت کنونی این عرصه می‌باشد. طبیعی است که در این بخش، تهدیدها و آسیب‌پذیری‌ها در اولویت قرار می‌گیرند و پس از آن، فرصت‌ها و توانمندی‌هایی که در برابر این تهدیدها و آسیب‌پذیری‌ها وجود دارند، برجسته می‌شوند.

-
1. strategic assessment
 2. forecast
 3. advantages

تبیین شرایط کنونی، مقدمه‌ای است برای ترسیم چشم‌انداز و برآورد ضریب امنیتی و رویدادهای محتمل در سال آینده (۱۳۹۳) که بخش دوم این دستور کار را شکل می‌دهد و خصلتی آینده‌پژوهانه و آینده‌نگرانه دارد. در این معنا، برآورد امکان وقوع نسبی یک یا چند احتمال را در آینده ارزیابی می‌کند و مهم‌تر از هر چیز به تخمین نیات رقبا یا دشمنان از ورود به عرصه‌ای خاص یا انتخاب گزینه‌ای خاص می‌پردازد.

پشتوانه نظری ارائه این برآوردها نیز همان شاخص‌ها و شناسه‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی است که در شماره‌های گذشته سال‌نما بر آنها تأکید شده بود.

بر مبنای این ایده، جمهوری اسلامی ایران نظامی است که معنا و مفهوم خاصی از امنیت ملی بر آن قابل انطباق است که لزوماً با معانی و مفاهیم امنیت ملی دیگر کشورها هم‌پوشانی ندارد، در عین حال که به واسطه منطقه‌ای شدن مقوله امنیت پس از جنگ سرد و در عین حال جهانی شدن آن، نمی‌توان جدا از شناسه‌های کلی امنیت در مجموعه امنیتی خاورمیانه، به تبیین و تحلیل شناسه‌های امنیت ملی آن پرداخت. در واقع، باید پذیرفت امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نوعی وابستگی متقابل با خاورمیانه و به ویژه، زیرمجموعه خلیج فارس دارد، به گونه‌ای که امنیت آن را از دیگر مجموعه‌های امنیتی مانند مجموعه امنیتی اروپا یا آفریقا جدا می‌کند. مسائل مشترک در این مجموعه، همچون مذهب، قومیت، الگوهای دوستی و دشمنی، میزان دخالت قدرت خارجی، اختلاف‌های مرزی، منازعه بر سر منابع انرژی و آب و میزان توسعه‌یافتگی، سبب ایجاد علائق مشترک و مشابه امنیتی در میان این مجموعه شده و این علائق به قدری است که امنیت ملی هر یک از کشورها و شناسه‌های آن را نمی‌توان جدا از دیگران مطالعه کرد.

وابستگی منطقه‌ای امنیت، بعد دیگری نیز دارد و آن همانا شیوه‌های امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن است. مجموعه امنیتی منطقه‌ای عبارت از مجموعه‌ای از واحدهاست که در آنها فرایندهای عمده امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن یا هردوی آنها، آن اندازه در هم تنیده شده‌اند که مشکلات امنیتی نمی‌تواند جدای از یکدیگر تحلیل یا حل شود. برای مثال، در غالب کشورهای خاورمیانه، همچنان، تهدیداتی که صبغه سرزمینی و نظامی بیشتری دارند، اولویت‌های امنیت ملی را مشخص می‌کنند و تهدیدات با صبغه سرزمینی کمتر، مانند تهدیدات اقتصادی، در اولویت بعدی هستند. همچنین، چنانچه کشورهای همسایه از جمله ترکیه و عراق، مسأله قومی را نوعی مسأله امنیتی تلقی کنند یا به بیان بهتر، آن را امنیتی کنند، برای ایران، بسیار دشوار است که آن را غیرامنیتی کند و بالعکس.

این وابستگی متقابل نشان می‌دهد، همچون دیگر کشورهای منطقه، جمهوری اسلامی ایران می‌بایست تهدید نسبت به رژیم سیاسی، تمامیت ارضی و انسجام اجتماعی خود را در زمره

شاخص‌های امنیت ملی و سنجش آن به حساب آورد. بر این اساس، به نظر می‌رسد به منظور مدیریت استراتژیک و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران و مدیریت جریان‌ها و فرایندهای مرتبط، می‌بایست سه شناسه کلی رژیم سیاسی جمهوری اسلامی، تمامیت ارضی ایران و انسجام جامعه ایرانی مد نظر قرار گیرد و پدیده‌های مختلف از جمله رقابت‌های سیاسی، مسائل قومی و مناسبات اقتصادی با توجه به آنها آسیب‌شناسی شوند. در عین حال، با توجه به شرایط نوین منطقه و جهان، به ویژه تحولاتی که پس از جنگ سرد و حادثه ۱۱ سپتامبر رخ داده است، شناسه چهارمی را نیز می‌توان به شناسه‌های امنیت ملی کشورها افزود و آن همانا تصویر بین‌المللی کشورها و جایگاه ناشی از این تصویر در عرصه بین‌المللی است. در واقع، ممکن است رژیمی در عرصه داخلی از مشروعیت نسبی و مکفی به لحاظ ابعاد کمی رضایت مردمی برخوردار باشد، اما تصویر نامناسبی از آن در عرصه بین‌المللی ترسیم شود. در آن صورت، امنیت ملی این کشور نیز در معرض آسیب‌پذیری قرار می‌گیرد. این ویژگی بیش از هر چیز نمایان‌گر بعد نمایشی امنیت در دنیای امروز و نرم‌افزاری شدن آن است. به همین دلیل است که از جمله گزارش‌های این مجموعه، بر آورد فشارهای حقوق بشری، تصویرسازی تلویزیون‌های ماهواره‌ای و همچنین، عملکرد فضای مجازی علیه جمهوری اسلامی ایران است.

جمهوری اسلامی، در عین حال نظامی است با ویژگی‌های یگانه که آن را از دیگر کشورهای عضو مجموعه امنیتی خاورمیانه مجزا می‌کند. برای مثال، مرکز ثقل مفهوم امنیت در جمهوری اسلامی ایران، عقیدتی - فرهنگی است و این ویژگی‌ای است که دیگر کشورهای منطقه فاقد آنند. به بیان دیگر، تهدید ایده دولت در جمهوری اسلامی، یعنی اسلام به مثابه مکتب، به منزله تهدید وجودی آن به شمار می‌رود؛ چرا که اگر این ویژگی از جمهوری اسلامی گرفته شود، تفاوتی با دیگر نظام‌های سیاسی منطقه نخواهد داشت. به این معنا، جمهوری اسلامی نه نظامی گراست همچون رژیم‌های برآمده از کودتا، نه صرفاً سیاسی و مبتنی بر قدرت‌طلبی گروهی خاص است و نه مناسبات و گرایش‌های اقتصادی آن را شکل داده است.

از سوی دیگر، ایران به لحاظ ظرفیت‌های طبیعی و در نتیجه روندهای تاریخی، کشوری خودیار، به ویژه هنگام بروز تنگناها و معضلات امنیتی است و کمتر می‌تواند به همیاری دیگر بازیگران امید داشته باشد. در واقع، ظرفیت ترکیب منطقه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران به دلیل تفاوت‌های قومی - مذهبی و همچنین، دخالت‌های خارجی و تنوع و پیچیدگی الگوهای دوستی و دشمنی، پائین است و جمهوری اسلامی امکان اندکی برای ائتلاف یا اتحاد در سطح منطقه‌ای دارد. بنابراین می‌بایست تا حد امکان، مؤتلفین و متحدین موجود را در مدار منافع خود حفظ نماید و مانع حذف آنها از این مدار از سوی دشمنان و رقبا شود.

به منظور مدیریت استراتژیک و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران و مدیریت جریان‌ها و فرایندهای مرتبط، می‌بایست سه شناسه کلی رژیم سیاسی جمهوری اسلامی، تمامیت ارضی ایران و انسجام جامعه ایرانی مد نظر قرار گیرد

ایران به لحاظ ظرفیت‌های طبیعی و در نتیجه روندهای تاریخی، کشوری خودیار، به ویژه هنگام بروز تنگناها و معضلات امنیتی است و کمتر می‌تواند به همیاری دیگر بازیگران امید داشته باشد

این ویژگی‌ها سبب می‌شوند مفهوم رژیم سیاسی، تمامیت ارضی، انسجام اجتماعی و تصویر بین‌المللی ایران، با دیگر کشورهای منطقه متفاوت باشد.

متناسب با این چارچوب نظری و با کمی تغییر نسبت به سه شماره گذشته سال‌نما که در هر شماره، بخشی از ساختار و موضوعات مورد بررسی و تحلیل تغییر می‌کرد، در این شماره، در مقایسه با شماره سوم، ساختار سال‌نما حفظ شده و تنها برخی موضوعات در چارچوب این ساختار تغییر یافته‌اند. تغییر موضوعات نیز عمدتاً به سبب تحولاتی است که در سال ۱۳۹۲ در عرصه قدرت و امنیت در جمهوری اسلامی ایران و همچنین، محیط منطقه‌ای و بین‌المللی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به وقوع پیوسته است.

در عرصه داخلی، مهم‌ترین تحول، برگزاری موفقیت‌آمیز انتخابات ریاست جمهوری یازدهم و انتخاب دکتر حسن روحانی به این سمت بود که تأثیرات مهمی بر محیط امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، چه در حوزه داخلی و چه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی داشت. در واقع، نحوه برگزاری این انتخابات و حضور چشم‌گیر مردم بر سر صندوق‌های رأی که از آن به درستی با عنوان «حماسه سیاسی» یاد می‌شود، از یک سو، سرمایه اجتماعی و اخلاقی جامعه ایرانی و نظام جمهوری اسلامی و در یک کلام، قدرت نرم ملی را افزایش داد و از سوی دیگر، رافع برخی تهدیدهایی بود که در چند سال اخیر و به تدریج، در حال شکل‌گیری علیه امنیت ملی کشور بودند. مهم‌ترین جلوه نمایش اقتدار برآمده از این انتخابات در عرصه بین‌المللی، به رخ کشیدن اقتدار ملی در برابر قدرت‌های بزرگ و سازمان‌های بین‌المللی در موضوعات و مناقشات مهم بین‌المللی است، به گونه‌ای که امکان نادیده گرفتن و منزوی ساختن جمهوری اسلامی در این موارد را از آنها گرفته و یا هزینه آن را برای آنها بالا برده است.

در عرصه داخلی، برگزاری انتخابات و نتایج آن موجب شد برخی شکاف‌ها و قطب‌بندی‌ها که در عرصه‌های اجتماعی-سیاسی در چند سال اخیر، به تدریج در حال نهادینگی بود، تخفیف یافته یا رفع شوند و ضریب اتحاد ملی ارتقا یابد، چنانکه مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای، راهپیمایی ۲۲ بهمن ۱۳۹۲ را نماد استقامت و اتحاد ملت ایران نامیدند.

در عرصه خارجی نیز انتخابات ریاست جمهوری یازدهم و نتایج آن موجب شد حداقل سه تهدید مهم بلاموضوع و رفع شوند. البته، این تهدیدها همگی از درجات یکسانی برخوردار نبوده و حتی به واسطه بالفعل یا بالقوه بودن نیز با هم متفاوتند، اما همگی در تراز امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران معنا می‌یابند. این تهدیدها را به ترتیب می‌توان تهدید به حمله نظامی، تهدید به افزایش تحریم‌های اقتصادی (حتی در صورت یکجانبه آن) و تهدید به «براندازی دموکراتیک» یا براندازی انتخاباتی دانست. در واقع، در طول یک دهه گذشته و از زمان رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا کنون، اتاق فکر دشمن و در رأس آنها ایالات متحده به صراحت

مدعی شده و تلاش کرده تا نشان دهد نوعی شکاف بین جامعه ایران و نظام سیاسی حاکم بر آن، وجود دارد. ایالات متحده، حتی در استراتژی امنیت ملی خود در قرن ۲۱، به صراحت اعلام کرده است که جمهوری اسلامی تا سال ۲۰۱۵ نخواهد توانست هم جمهوری و هم اسلامی باقی بماند و از این رو، فرو خواهد پاشید. در واقع، اتاق فکر دشمن با تلاش برای این نوع تصویرسازی از طریق جنگ روانی و رسانه‌ای، کوشش کرد زمینه مناسب را برای تهدید به حمله نظامی و گسترش تحریم‌های اقتصادی و مالی فراهم کند. سناریوهایی چون عراقیزه کردن یا شورویزه کردن ایران در همین چارچوب مطرح می‌شد. علاوه بر این، دشمن به یاری رسانه‌ها و شخصیت‌های اپوزیسیون خارج از کشور، همواره تلاش داشت القا کند که به سبب همین شکاف میان حاکمیت و نظام اسلامی با جمهور مردم، هر انتخاباتی در جمهوری اسلامی، به ویژه انتخابات ریاست جمهوری می‌تواند به سازوکاری برای براندازی انتخاباتی منتهی شود و هزینه‌های بسیاری را برای این منظور صرف کرده بود. تلاش بی‌وقفه رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه و اپوزیسیون خارج از کشور و حتی برخی مقامات رسمی کشورهای غربی، همچون ایالات متحده و کانادا در دوره سه‌ماهه پیش از برگزاری انتخابات ۲۴ خرداد برای القای ناآزاد و ناعادلانه بودن این انتخابات و دعوت جامعه ایرانی به تحریم مشارکت در آن به سبب «مهندسی شدن انتخابات توسط حاکمیت»، با همین هدف صورت پذیرفت. در مقابل و به تدریج که اتاق فکر مذکور درمی‌یافت جامعه ایرانی در سودای مشارکت حداکثری در انتخابات ۲۴ خرداد است، با سردرگمی و تغییر یا تشتت مواضع، به ویژه در میان گروه‌های اپوزیسیون مواجه شد و بی‌تردید یکی از بازندگان اصلی این انتخابات، همین گروه‌ها و رسانه‌ها و اتاق‌های فکر پشتیبان آنها هستند که حضور و مشارکت حداکثری مردم، جنگ روانی و رسانه‌ای آنها را خنثی کرد. بنابراین، اکنون که برگزاری این انتخابات، نشان داده فاصله‌ای بین جمهوری اسلامی و جامعه ایرانی وجود ندارد، هر گونه افزایش تهدیدها و تداوم تحریم‌ها به منزله مقابله با خواست ملت ایران و نظام سیاسی برآمده از آن خواهد بود و از این رو، این تهدیدهای سه‌گانه نیز حداقل تا بازیابی دوباره تعادل ذهنی و روان‌شناختی طرف مقابل به محاق خواهد رفت.

تحول دوم را می‌توان رویکرد نوین دولت یازدهم در عرصه سیاست خارجی دانست که نماد آن رویکرد جدید این دولت به مذاکرات هسته‌ای با قدرت‌های ۵+۱ است. اعلام استراتژی برد-برد در این مذاکرات، تأکید بر لزوم زمان‌مند بودن و نتیجه‌بخش بودن مذاکرات و همچنین، تأکید بر لزوم لغو همه تحریم‌ها به عنوان نتیجه مذاکرات، موجب شد دور جدید مذاکرات به توافق‌نامه ژنو ۲ و طرح اقدام مشترک در سوم آذرماه بیانجامد و در پایان بهمن‌ماه نیز مذاکرات وین برای تعیین دستور کار مذاکرات برای دستیابی به توافق جامع، با موفقیت برگزار شود. این

ظرفیت ترکیب منطقه‌ای
برای جمهوری اسلامی
ایران به دلیل تفاوت‌های
قومی-مذهبی و همچنین،
دخالت‌های خارجی و تنوع
و پیچیدگی الگوهای دوستی
و دشمنی، پائین است و
جمهوری اسلامی امکان
اندکی برای ائتلاف یا اتحاد
در سطح منطقه‌ای دارد

ایالات متحده، در استراتژی امنیت ملی خود در قرن ۲۱، به صراحت اعلام کرده که جمهوری اسلامی تا سال ۲۰۱۵ نخواهد توانست هم جمهوری و هم اسلامی باقی بماند و از این رو، فرو خواهد پاشید

دو تحول مهم موجب شد تغییراتی مهم و اساسی در روندهای سیاسی-اجتماعی داخلی و محیط منطقه‌ای و بین‌المللی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران صورت پذیرد.

در عرصه داخلی، سطح تنش‌ها و منازعات میان قوا و نهادهای حکومتی کاهش یافت و هم‌زمان، امید و اعتماد اجتماعی به رفع مشکلات اقتصادی و رفع تحریم‌ها در عرصه‌های انسانی و اجتماعی افزایش یافت. در پی آن، انتظارات تورمی جامعه نیز با افول معناداری مواجه شد و در مجموع، ضریب احساس امنیت در جامعه ارتقا پیدا کرد. این وضعیت سبب شد در سه‌ماهه پایانی سال ۱۳۹۲، به تدریج، روند نامطلوب برخی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی و حتی انسانی-اجتماعی متوقف شده و رو به بهبود گذارد. از این رو، در شماره کنونی سال‌نما، موضوعات «مناسبات قوا و نهادهای حکومتی»، «جریان‌های اجتماعی» و «جنگ سایبری»، حذف شده‌اند.

هم‌زمان، در بعد داخلی، به نظر می‌رسد متأثر از معضلات زیست‌محیطی و روند خشک‌سالی و همچنین، نوع سبک زندگی و فرهنگ مصرفی مردم، شاهد ورود کشور به وضعیت بحرانی در حوزه منابع آبی هستیم. همچنانکه، تحریم‌های اقتصادی و روند افزایش قیمت‌ها، به ویژه در حوزه حامل‌های انرژی موجب گسترش پدیده قاچاق و اقتصاد پنهان در کشور شده است. از این رو، در این شماره از سال‌نما در بخش‌های اقتصادی و زیست‌محیطی امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با شماره گذشته، به دو موضوع «قاچاق کالا» و «منابع آبی» نیز پرداخته‌ایم.

در عین حال، در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، در سال ۱۳۹۲، روندهای جدیدی را شاهد بودیم که به نظر می‌رسد آینده محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران را تا یک دهه آینده تحت تأثیر قرار خواهد داد. مهم‌ترین روند، شکل‌گیری موج فزاینده و ارتقای سطح تروریسم تکفیری و سلفی در سراسر جهان اسلام و به ویژه در مناطق شیعه‌نشین، به عنوان عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه است، به گونه‌ای که گروه‌های تروریستی، از مرحله تروریسم انتحاری، وارد فاز جنگ داخلی با دولت‌ها، به ویژه دولت‌های حامی محور مقاومت علیه رژیم صهیونیستی شده‌اند. به این مسئله می‌بایست معکوس شدن روند بیداری اسلامی در منطقه را نیز افزود که عمدتاً با مدیریت عربستان سعودی و جناح رادیکال و ضد ایرانی هیئت حاکمه آن ممکن شده است. در واقع، در سراسر منطقه، مدیریت مذکور توانست در سال جاری و به تدریج، شکاف‌های اسلام‌گرایی / سکولاریسم و شیعه / سنی را جایگزین شکاف اقتدارگرایی / آزادی‌خواهی و ارتجاع‌گرایی / نوخواهی مردم مسلمان منطقه بکند و از این طریق، روند بیداری اسلامی در تونس، مصر، لیبی، بحرین و یمن را وارونه نماید، به گونه‌ای که در مهم‌ترین کشور، یعنی مصر، وضعیت و مناسبات دوره مبارک احیا شده است.

این مسائل، همگی در کنار عزم ایالات متحده برای تغییر تمرکز منطقه‌ای نیروهایش از خاورمیانه به آسیای جنوب شرقی و به ویژه چین، نشان می‌دهد فرصت‌ها و تهدیدهای نوینی در یک دهه آینده فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در محیط منطقه‌ای قرار گرفته است که می‌بایست ارزش امنیتی آنها در قالب پیش‌آگاهی‌ها و هشدارها مشخص شود. از این رو، در بخش منطقه‌ای این شماره از سال‌نما، موضوعات «گروه‌های تکفیری» و «تحولات قومی منطقه» افزوده شده است.

سه شماره پیشین «سال‌نمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، با روند رو به رشد استقبال و بازخوردهای مثبت و فراتر از انتظار مخاطبان، هم در حوزه‌های دانشگاهی و علمی و هم در میان نهادها و کارگزاران امنیت ملی و سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی در حوزه‌های داخلی و خارجی همراه بوده است. این روند، تلاش و عزم مسئولان و کارکنان «پژوهشکده مطالعات راهبردی» را برای ارتقای استانداردهای کیفی و کمی این محصول منحصر به فرد در سال جاری دوچندان کرده است. بی‌تردید، نقدها و پیشنهادهای عالمانه و مشفقانه مخاطبان سال‌نما در ارتقا سطح آن مؤثر بوده است.

پژوهشکده مطالعات راهبردی با اتکا و شکرگزاری به درگاه حضرت باری تعالی و به پشتوانه سرمایه انسانی خود که جمعی از پژوهش‌گران و فرهیختگان در حوزه مطالعات راهبردی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران هستند، چهارمین شماره «سال‌نمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ تحولات راهبردی ۱۳۹۲، چشم‌انداز ۱۳۹۳» را تقدیم مخاطبان و صاحب‌نظران در این حوزه می‌کند و چشم‌انتظار حمایت‌ها و پشتیبانی‌های بهنگام و در خور نهادها و مراکز مسئول و مرتبط در جهت تداوم و ارتقای این روند در سال‌های آتی است.

والحمد لله رب العالمین